

پیش درآمد

از آن جایی که آزمایش یک سنت همگانی الهی است و تأثیر بسزایی در سعادت و شقاوت و پاداش و کیفر انسان‌ها دارد، لازم است که زوایای این بحث از نظر قرآن بررسی شود تا همه انسان‌ها از حقیقت آزمایش آگاه و با راه‌های صحیح برون رفت از آزمایش الهی آشنا گردند. به خاطر همین مهم بر آن شدیم که آیات کریمه مربوط به آزمایش را جمع کنیم و پاسخ سؤالات مذکور را از قرآن به دست بیاوریم تا زمینه آگاهی و شناخت همگان فراهم آید.

ابتلاء و امتحان در قرآن

با دقت در آیات کریمه، واژه‌هایی که در قرآن کریم معادل آزمایش و امتحان استعمال شده است، عبارتند از: بلاء، فتنه و امتحان. از میان این سه واژه، بیشترین استعمال مربوط به واژه فتنه با مشتقاتش می‌باشد و کمترین آن مربوط به واژه امتحان است که حداکثر 3 مورد در قرآن استعمال شده است.

ابتلاء در کاربرد لغت

کلمه «ابتلاء» مصدر ثلاثی مزید است از باب افتعال از ریشه «بلاء». این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم 37 بار در ضمن 34 آیه به کار رفته است. (موسوی نسب، 15)

در لغت، کلمه «ابتلاء» به معنای آزمون، تجربه و کشف کردن به کار می‌رود؛ يقال بلاءه و ابتلاءه اذا اختبره و امتحنه.

بعضی در معنای لغوی گفته‌اند: بلی بر وزن «علم» کهنه شدن گویند: «بلی الثوب بلی و بلاء»؛ یعنی لباس کهنه شد.

به غم و اندوه از آن سبب بلاء گویند که بدن را کهنه و فرسوده می‌کند. (قریشی، 291/1)

و گفته‌اند: «ان الاصل الواحد فيها هو ايجاد التحول، ای التقلب و التحويل و هذا المعنى ينطبق بجمیع مواردها و مصادیقها من دون ای تجاوز او يتكلف فيها و اما



الامتحان و الاختبار والابتلاء والتجربة فكل هذه من معاني مجازيه و من لوازم الاصل و آثاره بحسب الموارد (مصطفوی، 318/1)

خلاصه آنکه در معنای اصلی واژه بلاء اختلاف است؛ گروهی مثل ابن منظور و صاحب قاموس گویند معنای اصلی آن آزمایش و اختیار است و گروهی دیگر مثل مصطفوی و راغب گویند معنای اصلی آن دگرگونی و کهنه شدن است. اما معنای آزمایش و اختبار از لوازم معنای اصلی هستند.

فتنه در لغت و اصطلاح

«فتنه» در اصل به معنای آزمایش است. کلمه «فتنه» همان مفهوم امتحان و آزمایش را دارد، البته «فتنه» را از این جهت فتنه گویند که چیزی است که انسان را به خود مشغول می‌کند و امتحان بودنش به همین است. (مطهری، آشنایی با قرآن، ج 7، ص 182)

و نیز گفته شده است «فتنه» در اصل به معنی قرار دادن طلا در کوره است. آزمایشی برای تصفیه از ناخالصی‌هاست. پس به هر گونه امتحان و آزمایشی که برای آزمودن میزان اخلاص انسان‌ها انجام می‌گردد، اطلاق شده است. (مکارم شیرازی، 167/21)

امتحان

مشتقات این واژه در قرآن کریم دو مرتبه آمده است: 1. سورة ممتحنه آیه 10. 2. سورة حجرات آیه 3 که با واژه «امتنح» و «فامتحوهن» استعمال شده است. «امتنح» از ماده امتحان در اصل به معنی ذوب کردن طلا و گرفتن ناخالصی آن است، و گاه به معنی گسترده‌تر چرم نیز آمده، ولی بعداً در معنی آزمایش به کار رفته است؛ مانند آیه 3 حجرات، آزمایشی که نتیجه آن خلوص قلب و گسترده‌گی آن برای پذیرش تقواست.

ابتلاء و آزمایش در فرهنگ قرآنی

مراد از واژه «ابتلاء» در اصطلاح قرآن، با توجه به ریشه لغوی کلمه که در بردارنده معنای تداوم و تکرار است، عبارت است از مجموعه برنامه‌های مستمر و مداوم که در رابطه با انسان و عملکرد و رفتار وی جاری است. (موسوی نسب، 17) مفهوم قرآنی «امتحان» و «فتنه» نیز همین است.

بلاء

بلاء در قرآن به سه معنا آمده است: (تفلیسی، 49)

1. آزمایش؛ (إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ) (صافات/106)
2. نعمت؛ (وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٍ) (بقره/49) یعنی نعمه عظیمه من ربکم
3. محنت؛ (وَبَلَّوْنَاَهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ) (اعراف/168) (وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً) (انبیاء/35)

فتنه

در قرآن واژه فتنه در پانزده معنا استعمال شده است. (تفلیسی، 217-218)

1. آزمایش؛ (الْمُ أَحْسَبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) (عنکبوت/2-1) (وَلَقَدْ فْتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ) (دخان/17)
2. شرک؛ (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً) (بقره/193) (الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ) (بقره/191)
4. کفر؛ (آل عمران/7)، (توبه/48)
5. بزه. (توبه/49)
6. عذاب کردن. (نحل/110)، (عنکبوت/10)
7. کشتن. (نساء/101)، (یونس/83)
8. سوختن. (ذاریات/16)، (بروج/10)
9. گم راه شدن. (مائده/41)، (صافات/162)
10. برگردانیدن. (مائده/49)



11. دیوانه شدن (قلم / 6)
12. لغزایدن. (بنی اسرائیل / 73)
13. عبرت. (یونس / 85)، (ممتحنه / 5)
14. عذر. (انعام / 23)
15. خواسته و فرزند. (تغابن / 15)

امتحان در قرآن در دو به کار رفته است

1. خالص نمودن. (حجرات / 3)
2. آزمایش نمودن. (ممتحنه / 10)

ابعاد عام سنت آزمایش (ابتلاء)

الف: گستردگی زمانی - مکانی

آزمایش الهی از نظر زمان و مکان، یک امر مقطعی و منطقه‌ای نیست که مخصوص دوره و زمان خاصی باشد و یا به منطقه و کشور خاصی محدود شود و ساکنان نقاط دیگر از قلمرو آزمایش الهی خارج شوند، بلکه نسبت آزمایش و امتحان از این نظر، دائمی و جهان شمول است. تا روزی که دنیایی وجود دارد و در آن نوع بشر زندگی می‌کند، آزمایش الهی هم وجود دارد.

بعضی از آیات دلیل بر این مطلب است که عبارتند از:

1. (أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) (عنکبوت / 2)
« آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند.»
2. (وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ) (عنکبوت / 3)
« ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم.»

ب: فراگیری انسانی

با توجه به بعضی از آیات کریمه، همه انسان‌ها در معرض قانون آزمایش الهی قرار دارند و هیچ فردی از نوع بشر از آزمایش الهی مستثنی نیست. بعضی از این

آیات عبارتند از:

1. (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ) (انسان/2)
«ما انسان را از نطفهٔ مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم.»
2. (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ) (ملک/2)
«آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید.»
3. (هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا) (احزاب/11)
«در آن جا مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.»
آیه فوق اشاره به آزمایش مؤمنان در جنگ احزاب دارد.
4. (أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) (عنکبوت/2)
«آیا مردم گمان می‌کردند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

ج: عمومیت از نظر اسباب و عوامل

کثرت و گستردگی اسباب و عوامل آزمایش به حدی است که نمی‌توان آمار مشخصی برای آن ذکر نمود. اما به طور خلاصه می‌توان گفت هر که به نحوی با شئون ارادی انسان در ارتباط است و در انتخاب و گزینش انسان مؤثر است، می‌تواند از عوامل آزمایش به شمار رود.

در آیات قرآن نیز، کثرت و وسعت عوامل ابتلاء با تعبیرات مختلف بیان شده است:

1. (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ) (انعام/165)
«و کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید.»
کلمه (ما) در آخر آیه شامل همه نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود. (موسوی نسب، 26)
2. (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ) (بقره/155)
«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش



می کنیم.»

در این جا نیز کلمه (شیء) عام است، شامل هر نوع اسباب مادی و معنوی می شود. کلمه (من) بعد از آن، برای بیان مفهوم «شیء» نیست تا اختصاص به موارد مذکور داشته باشد، بلکه برای بیان مصادیق بارز (شیء) است. (موسوی نسب، 26)

3. (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) (کهف/7)

«ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن ها را بیازماییم کدامینشان بهتر عمل

می کنند.»

کلمه (ما) در آخر آیه شامل هر عطای خداوندی می شود.

ابزارهای آزمایش در قرآن

اگر چه با استفاده از آیه 165 انعام و 7 کهف و 155 بقره، ابزار آزمایش الهی عمومی است و منحصر به ابزار خاصی نیست، ولی از آن جا که ذکر آن برای آگاهی و تنبیه مردم است، به بعضی از ابزار آزمایش اشاره نموده است که عبارتند از:

1. تعداد مأموران دوزخ

مأموران دوزخ را جز فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم. (مدثر/31)

این آزمایش از دو جهت بود: نخست از این جهت که آنها استهزاء می کردند که چرا از میان تمام اعداد، عدد نوزده انتخاب شده، در حالی که هر عدد دیگری انتخاب شده بود جای همین سؤال وجود داشت.

از سوی دیگر این تعداد را کم می شمردند و از روی سخریه می گفتند: ما در مقابل هر یک از آنها ده نفر قرار می دهیم تا آنها را در هم بشکنیم! در حالی که فرشتگان خدا چنان هستند که به گفته قرآن چند نفر از آنها مأمور هلاکت قوم لوط می شوند و شهرهای آباد را از زمین برداشته زیر و رو می کنند. (مکارم شیرازی، 239/25-240)

2. کشتن پسران و زنده نگاه داشتن دختران توسط فرعونیان

(يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَ كُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَ كُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ) (نقره/49) و به

همین مضمون (اعراف/141) و (ابراهیم/61)

«پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگاه می‌داشتند. و در اینها آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود.»

3 و 4. اموال و فرزندان

(إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ) (تغابن/15)

«اموال و فرزندانان فقط وسیلهٔ آزمایش هستند.»

5. ناقة صالح

(إِنَّا مُرْسَلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ) (قمر/27)

«ما (ناقه) را برای آزمایش آنها می‌فرستیم.»

6. مجسمهٔ گوساله

(قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ) (طه/85)

«فرمود: ما قوم تو را بعد از تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت.»

7. نعمت‌های مادی

(وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ)

(فیه) (طه/131)

«و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم میفکن، این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم.»

8. فقر و نداری

(وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ....) (انعام/53)

«و این چنین بعضی از آنها را با بعضی دیگر آزمودیم.»

9. نعمت

(فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ)

(وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (زمر/49)

«هنگامی که انسان را زبانی رسد ما را (برای حل مشکلش) می‌خواند، سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می‌گوید: «این نعمت را به خاطر کردانی خودم به من داده‌اند» ولی این وسیلهٔ آزمایش (آنها) است، اما بیشترشان نمی‌دانند.»



10. درخت زقوم

(إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ) (صافات/63)

«ما آن را مایهٔ درد و رنج ظالمان قرار دادیم.»

«فتنه» در آیه ممکن است به معنی رنج و عذاب باشد و ممکن است به معنی آزمایش باشد، اشاره به این که آن‌ها هنگامی که نام زقوم را شنیدند، به سخریه و استهزا پرداختند و از این رو وسیله‌ای برای آزمایش این ستمگران شد. (مکارم شیرازی، 71/19)

11. نهر آب

(قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي) (بقره/249)

«به آن‌ها گفت: خداوند شما را به وسیلهٔ یک نهر آب آزمایش می‌کند آن‌ها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند و آن‌ها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند.»

12. زینت زمین (همهٔ موجودات)

(إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ) (کهف/7)

«ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم.»

13. ذبح فرزند

(إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ) (صافات/106)

«این مسلماً امتحان آشکار است.»

14. دستورات الهی

(وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ) (هود/37)

«ما به نوح وحی کردیم که کشتی را در حضور ما بساز ... (آری) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه‌هایی است و ما مسلماً همگان را آزمایش می‌کنیم.»

15. شر و خیر

(وَنَبِّئُكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً) (انبیاء/35)

«و ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم.»

در حدیثی از امام علی 7 می‌خوانیم که امام بیمار شده بود. جمعی از برادران

(یاران) به عیادتش آمدند. عرض کردند: کیف نجدک یا امیرالمومنین؟ قال: بالشّر؛ حالتان چطور است ای امیرمومنان؟ فرمود: شرّ است. گفتند این سخن شایسته مثل شما نیست. قالو ما هذا کلام مثلک. امام فرمود: ان الله تعالى يقول: و نبلوكم بالشّر و الخیر فتنه. فالخیر: الصّحه و الشّرّ: المرض و الفقر. (مکارم شیرازی، 405/13)

16. خلقت خدا

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ يَبْلُوكُمْ) (هود/7)

«او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت (به خاطر این آفرید) تا شما را بیازماید.»

17. عهد و پیمان

(وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ... يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ...) (نحل/91-92)

«خدا می خواهد شما را با این وسیله آزمایش کند.»

18. تنگی روزی

(وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ) (فجر/16)

«و اما هنگامی که برای امتحان روزیش را برای او تنگ می گیرد.»

19. گرسنگی، ترس، نقص اموال و انفس و ثمرات

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرٍ الصَّابِرِينَ) (بقره/155)

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم.»

پیامبران و آزمایش

خداوند در قرآن کریم علاوه بر آن که به عمومیت ابتلاء در نوع بشر تصریح کرده است، به آزمایش نمودن بعضی از پیامبران الهی و قوم آنها هم اشاره نموده است که به نظر می رسد بیان این مطلب، قوت قلب و تسکین مردم باشد که بدانند آزمایش الهی همگانی است و بتوانند همچون پیامبران با استفاده از عوامل موفقیت

برون رفت، از آزمایش الهی سربلند بیرون آیند.

1. حضرت ابراهیم

(وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ ...) (نقره/124)

«(به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود.»

2. حضرت سلیمان

(وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ) (ص/34)

«ما سلیمان را آزمودیم.»

(قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي) (نمل/40)

«این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند.»

3. حضرت موسی 7

(وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا) (طه/40)

«و تو (موسی) را بارها آزمودیم»

اقوامی که آزمایش شده‌اند

قرآن، علاوه بر آن که آزمایش شدن مردمان عصر قبل از پیامبر اسلام را به طور کلی ذکر می‌کند و می‌فرماید: (وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ) (عنکبوت/3)
«ما کسانی را که پیش از شما بودند آزمایش نمودیم.»
آزمایش شدن بعضی از اقوام گذشته را نیز صراحتاً قید نموده است که عبارت است از:

1. قوم صالح (إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ) (قمر/27)

«ما (ناقه) را برای آزمایش آنها می‌فرستیم.»

2. قوم فرعون

(وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ) (دخان/17)

«ما قبل از این‌ها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغ آنها آمد.»



3. بنی اسرائیل

﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ (بقره/49)

«پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) نگه می‌داشتند، و در این آزمایش سختی از طرف پروردگار برای شما بود.»

4. پیروان طالوت

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...﴾ (بقره/249)

«و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد) و سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت خداوند شما را به وسیله یک نهر آب آزمایش می‌کند.»

5. پیروان پیامبر اسلام

﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ﴾ (اسراء/60)

«ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود.»
این آیه اشاره به جنگ احد است.

فلسفه آزمایش الهی

قبل از بیان فلسفه و علت آزمایش، ذکر اهداف آزمایش ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف آزمایش

نوع اول: گاهی امتحان و آزمایش برای شناختن است، به این معنی که شخص امتحان کننده وقتی می‌خواهد مجهولی را تبدیل به معلوم کند، آن را آزمایش می‌کند. مثلاً مواد غذایی را به آزمایشگاه می‌برند برای این که ببینند سالم است یا نه. این امتحانی است که هدف امتحان کننده از آن این است که می‌خواهد حقیقتی را کشف کند. در مورد خداوند نسبت به بندگان چنین امتحانی معنی ندارد.

نوع دوم: گاهی آزمایش برای اتمام حجت است؛ یعنی برای این است که به خود امتحان شونده امری را ثابت کند. یک معلم که در طول سال با دانش‌آموز کار می‌کند، خودش می‌داند که به کدام دانش‌آموز باید نمره قبولی بدهد و به کدام



نمره رد بدهد. به کدام یک باید بیست بدهد، به کدامیک نمره نوزده و به کدام چهارده. ولی مسلم است که اگر امتحان نکرده بخواند این نمره‌ها را بدهد، غیر از آن کسی که بیست می‌گیرد همه اعتراض می‌کنند. او آن‌ها را امتحان می‌کند، تا بر همه روشن شود که نمره‌هایی که می‌خواهد بدهد همه درست است. امتحان به این معنی در مورد خدای متعال معنی دارد. ممکن است خدای متعال بنده‌ای را مورد امتحان قرار بدهد برای این‌که حجت بر آن بنده تمام شود.

نوع سوم: گاهی امتحان برای تمرین امتحان شونده است؛ یعنی خداوند متعال - که البته در مورد غیر خداوند متعال هم صدق می‌کند - انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد برای این‌که در طی آن آزمایش استعدادهای درونی او به فعلیت برسد. مثل آدمی که خودش یا دیگری را به آب می‌اندازد برای این‌که شنا یاد بگیرد. این نوع امتحان، نوعی عمل و رفتار برای کمال یافتن است. بر اثر تلاش کردن در آب است که انسان شناگر می‌شود.

امتحان‌های الهی برای این جهت است که انسان در خلال آن گرفتاری‌ها، کمال یابد. (مطهری، آشنایی با قرآن، ج 7 ص 183)

قرآن مجید به این حقیقت تصریح دارد؛ او آنچه را شما در سینه دارید می‌آزماید تا دل‌های شما کاملاً خالص گردد و او به همه اسرار درون شما آگاه است. (آل عمران/154)

به تعبیر دیگر در سر دو راهی‌ها و سختی‌ها قرار دادن، برای آن‌که استعدادهای درونی‌اش بروز و ظهور کند، یعنی اگر این آزمایش نباشد، او در حد خامی و در حد بالقوه می‌ماند، این آزمایش است که تکمیل‌کننده است. نوع سوم آزمایش یعنی آزمایش تکمیل‌کننده. آزمایش الهی دربارهٔ بندگان همان خصلت تکمیل‌کنندگی را دارد. (مطهری، آشنایی با قرآن، ج 8، ص 135)

فلسفه آزمایش الهی

بعد از روشن شدن مفهوم آزمایش الهی، این سؤال را باید از نگاه آیات کریمه پاسخ داد که فلسفهٔ آزمایش الهی چیست؟ مگر خداوند، عالم به سرّ و غیب نیست.

خدایی که هر آن‌چه در زمین و آسمان است بر او مخفی نیست، برای چه آزمایش می‌کند؟ فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ) (آل عمران/5)

«هیچ چیز در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند.»

آیات فراوانی در زمینه علم خدا نسبت به سرّ و غیب وجود دارد که حاکی از علم مطلق حق است. پس چرا آزمایش می‌کند؛ در پاسخ این سؤال باید گفت از نگاه آیات کریمه، علل متعددی بر آزمایش الهی وجود دارد که عبارتند از:

1. ظهور حقیقی شخصیت افراد

مهم‌ترین فلسفه و حکمت ابتلاء (آزمایش) از دیدگاه قرآن کریم، شناسایی چهره واقعی افراد به معنای ظهور صلاحیت‌ها و استعدادهای آنان و طهارت و خباثت نفس انسان است؛ چرا که برجستگی‌ها و کرامت‌های روحی انسان در شرایط دستور ابتلاء خود را نشان می‌دهد.

قرآن کریم در آیات متعددی بر این حقیقت تصریح نموده است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌شود.

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ) (محمد/31)

«ما همه شما را قطعاً آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود، مجاهدان واقعی و صابرن از میان شما کیانند و اخبار شما را بیازماییم.»

جمله «حتی نعلم المجاهدین منکم» به این معنا نیست که خداوند از این گروه آگاهی ندارد، بلکه منظور تحقق معلوم الهی است و مشخص شدن این گونه افراد است؛ یعنی تا این علم الهی تحقق خارجی یابد و عینیت حاصل کند و صفوف مشخص شود. (مکارم شیرازی، 482/21)

(وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ) (عنکبوت/3)

«ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزموده‌ایم. باید علم خدا در مورد کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد.»

معنای علم خدا به همان معنای قبلی است که در ذیل آیه 31 محمد گفته شده است.

(وَلَيَبْلِيَنَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (آل

«و آنچه را که شما در سینه دارید می‌آزماید تا دل‌های شما کاملاً خالص گردد و او به همه اسرار درون شما آگاه است.»

2. معیار ثواب و پاداش

علی 7 می‌فرماید: گرچه خداوند به روحیات بندگانش از خودشان آگاه‌تر است، ولی آنها را امتحان می‌کند تا کارهای خوب و بد که معیار پاداش و کیفر است از آنها ظاهر گردد. (نهج البلاغه، قصار/93)

یعنی صفات درونی انسان به تنهایی نمی‌تواند معیاری برای ثواب و عقاب گردد، مگر آن زمانی که در لابلای اعمال انسان خودنمایی کند، خداوند بندگان را می‌آزماید تا آنچه در درون دارند در عمل آشکار کنند، استعدادها را از قوه به فعل برسانند و مستحق پاداش و کیفر او گردند. اگر آزمایش الهی نبود، این استعدادها شکوفا نمی‌شد و درخت وجود انسان میوه‌های اعمال بر شاخسارش نمایان نمی‌گشت و این است فلسفه آزمایش الهی در منطق اسلام. (مکارم شیرازی، 528/1)

به تعبیر علامه محمد جواد مغنیه مبتلا شدن به بلاء، محکی است که حقیقت انسان را آشکار می‌سازد. برای نمونه، انسان با ایمان و با خرد در هنگام مصیبت، از دین خود خارج نمی‌شود و سخنی را که نشان دهنده کفر و سفاهت و نادانی باشد به زبان نمی‌آورد، بلکه صبر می‌کند و گرفتاری، عقل و ایمان او را از بین نمی‌برد، اما انسانی که خرد و ایمانش ضعیف باشد، شیطان بر او مسلط می‌شود و روش کفر و دشنام و پستی را در پیش می‌گیرد و در چاه رذالت و سفاهت سقوط می‌کند. بهترین سخن در این باره، سخن سیدالشهداء، حسین بن علی 7 در روز عاشورا است که فرمود: مردم، بندگان دنیایند و دین، تنها لقلقه زبان آنان است. آنان تا زمانی پیرامون دین می‌گردند که زندگانشان بچرخد و هرگاه به بلا و سختی گرفتار شوند، تعداد دین‌داران اندک خواهد شد. (مغنیه، 439/1)



3. مشخص شدن عمل احسن

اعمال آدمی در فرهنگ قرآنی در یک تقسیم کلی دو نوع است: 1. عمل صالح 2. عمل غیر صالح. عمل صالح هم به دو قسم تقسیم می‌شود: 1. عمل حسن 2. عمل احسن. از فلسفه‌های آزمایش الهی این است که مشخص شود چه کسی عمل احسن انجام داده است. فرمود:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ) (ملک/2)

«و همان کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کنید.»

در توضیح عمل احسن گفته می‌شود که عمل نیک از دو حیثیت برخوردار است: 1. کمیت عمل 2. کیفیت عمل.

آنچه در فرهنگ قرآنی مهم است و ارزش دارد و به عمل ارزش و اعتبار عالی می‌دهد، کیفیت عمل است، نه کمیت عمل. اگر تعبیر این بود که چه کسی بیشتر عمل می‌کند، تکیه بر روی کمیت عمل بود، ولی وقتی که فرمود: «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»، تکیه بر روی کیفیت است. خدا انسان را مورد آزمون بهترین عمل قرار داده است، نه آزمون زیادترین عمل. این است که در حدیث آمده است که مراد از «احسن عملاً»، «اصوب عملاً» است. آنچه جنبه صواب بودنش بیشتر باشد. (مطهری، آشنایی با قرآن، ج 8، ص 139-138)

و همچنین فرمود:

(إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) (کهف/7)

«ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم کدامینشان بهتر عمل می‌کنند.»

4. برگشت به سوی حق

خداوند کریم رحمت را بر خودش واجب نموده است، فرمود: **(كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ) (انعام/54)** و از طرفی هدف اصلی خلقت انسان، عبودیت انسان در برابر حق تعالی می‌باشد.

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (ذاریات/56)

«و ما جن و انس را خلق نکردیم مگر این‌که عبادت کنند.»



با توجه به دو مقدمه فوق؛ وجوب رحمت الهی و هدف خلقت، بر خداوند است از باب قاعده لطف از هر نوع زمینه سازی برای برگشت بندگان به سوی خویش دریغ نفرماید. یکی از اسباب برگشت بشر به سوی خدا این است که خداوند انسان را در بوتۀ گرفتاری‌ها قرار دهد تا انسان عقل و فکر خود را به کار اندازد و از علت سختی‌ها و بلاها عبرت بگیرد و مسیر خود را به سوی خدا سوق دهد. قرآن به این حقیقت که برگشت بشر به سوی حق از علل فلسفه آزمایش الهی است، اشاره نموده و می‌فرماید:

(وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (اعراف/168)

«و آن‌ها را (قوم بنی اسرائیل) در زمین به صورت گروهی پراکنده ساختیم، گروهی از آنان صالح و گروهی غیر آن هستند و آن‌ها را به نیکی و بدی آزمودیم شاید بازگردند.»

دو ویژگی مهم آزمایش

1. مجهول بودن

در امتحان باید نقطه مجهولی گنجانده شود تا میزان قابلیت موجود مورد آزمایش روشن شود. برای مثال اگر حضرت ابراهیم 7 از ابتدا می‌دانستند قوچی بهشتی فدای اسماعیل 7 می‌شود، (وَقَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ) (صافات/107) به دست گرفتن کارد و کشیدن برگلوی فرزند هنری نبود. آنچه اهمیت داشت، این بود که تا آخر بپندارد این کار باید انجام شود و اراده جدی خداوند است. چنان که هنگام پرتاب شدن در دل آتش می‌بایست از گلستان شدن آتش در پایان آزمون بی‌خبر باشند؛ (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ) (انبیاء/69) و گرنه تسلیم و رضا، آزمون دشواری نبود. (مصباح یزدی، زینهار از تکبر، 58/)

2. تناسب با افراد

آزمایش باید به گونه‌ای باشد که توان پاسخگویی وجود داشته باشد؛ مثلاً هیچ‌گاه حل فرمول‌های پیچیده ریاضی را از یک دانش آموز ابتدایی نباید خواست،

از این رو اگر خداوند یک هزارم امتحان‌های انبیا و اولیا را از ما به عمل آورد، همان اول مردود خواهیم شد. (همان، 101)

شرایط آزمایش شونده

1. طاقت و توان

فرمود: (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) (بقره/286)

ما تکلیف به اندازه وسع می‌نماییم، تکلیف مالایطاق از خداوند حکیم محال است، لذا آزمایش باید به اندازه ظرفیت وجود آزمایش شونده باشد. اگر بشر عادی به آزمایش پیامبران و اولیای الهی آزمایش و امتحان شود، مشخص است که از همان ابتدا مردود می‌شود و این گونه آزمایش نمودن از خدای حکیم که به ظرفیت وجودی بشر عادی آگاه است، قبیح است. ایمان قوی ابراهیم می‌خواهد که به سر بردن فرزند دل‌بند خود آزمایش شود.

2. داشتن ابزار شناخت

عمده‌ترین ابزار شناخت از دیدگاه قرآن عبارت است: از گوش، چشم و قلب (قوه مدرکه). بشر باید این ابزار را داشته باشد تا مورد آزمایش الهی قرار گیرد.

فرمود: (وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ) (نحل/78)

در این آیه به سه ابزار شناخت، گوش و چشم و قوه مدرکه تصریح شده است. در سوره انسان بعد از آن که می‌فرماید ما انسان را امتحان می‌کنیم؛ بلافاصله می‌فرماید: «او را شنوا و بینا قرار دادیم.» (انسان/2) از این آیات استفاده می‌شود که وجود ابزار شناخت در آزمایش شونده ضروری است.

3. اختیار

آزمایش شونده باید از قدرت انتخاب و اختیار برخوردار باشد تا بتواند در آزمایش الهی یکی از دو حالت سپاسگزاری و کفران را انتخاب نماید، و الا بدون داشتن اختیار و انتخاب، آزمایش مفهوم ندارد بلکه جبر می‌باشد.



4. هدایت گری

مطابق قاعدهٔ لطف بر خداوند واجب است که بشر را هدایت و راهنمایی نماید و راه راست و کج را برای او توسط اولیای الهی و پیامبران ترسیم کند تا آزمایش شونده راه را از چاه بشناسد و با قدرت خویش یکی را برگزیند.

فرمود: **(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (انسان/3)**

«ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و یا کفران کند.»

ابعاد گوناگون بلاء

بلا و امتحان در روایات جنبه‌های مختلفی دارد که اگر به این جنبه‌ها توجه شود، مسیر زندگی بشر عوض خواهد شد و از درد و رنج، ناله و فریاد نمی‌کند؛ بلکه خدا را سپاس می‌گوید.

1. بلاء؛ آزمون تکامل

مهم‌ترین جنبه بلاها، خاصیت رشد دهنده‌گی آنهاست. در حالت آسایش و راحتی، قابلیت‌های نهفتهٔ انسان پرورش نمی‌یابد.

شهید مطهری: «زشتی‌ها مقدمهٔ وجود زیبایی‌ها و آفریننده و پدیدآورندهٔ آنها هستند.» (مطهری، 174/1) به همین جهت قرآن فرمود: «همانا انسان را در رنج و سختی آفریدیم.» (بلد/4)

شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید:

«این خصوصیت مربوط به موجودات زنده بالخصوص انسان است که سختی‌ها و گرفتاری‌ها، مقدمهٔ کمال‌ها و پیشرفت‌هاست. ضربه‌ها، جمادات را نابود می‌سازد و از قدرت آنان می‌کاهد؛ ولی موجودات زنده را تحریک می‌کند و نیرومند می‌سازد؛ بس زیادت‌ها که اندر نقص‌هاست. مصیبت‌ها و شدائد، برای تکامل بشر ضرورت دارد، اگر محنت‌ها و رنج‌ها نباشد، بشر تباہ می‌گردد.» (مطهری، مجموعه آثار، ج 1 ص 176)

2. بلا و تطهیر گناهان

جنبهٔ دوم بلاها و شدائد، پاک کردن گناهان و لغزش‌های انسان است. ممکن

است انسان دچار لغزش‌هایی شده باشد که پیامدهای تلخی به دنبال آورد. مانند آنها برای آخرت خیلی سخت است. اگر بتوان آنها را در این دنیا تسویه کرد موقعیت ممتازی است. این کار به وسیلهٔ بلاها و شدائد صورت می‌گیرد. (پسندیده، 293/)

امام باقر 7 می‌فرماید: وقتی آیه «من يعمل سوءاً یجز به» نازل شد، هرکس عمل بدی انجام دهد کيفر آن را می‌بیند. بعضی از اصحاب پیامبر 9 گفتند: آیه‌ای از این سخت‌تر نیست. پس پیامبر 9 به آنان فرمود: آیا در اموال و جان‌ها و خانواده‌تان دچار مصیبت نمی‌شوید؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: این از آن چیزهایی است که خداوند به وسیله آن، برای شما حسنه می‌نویسد و به وسیله آن بدی‌ها را محو می‌کند. (همان/294)

3. بلا و ترفیع درجه

همیشه بلاها به معنای گنه‌کار بودن فرد نیست. گاهی خداوند برای این که درجهٔ کسی را بالا ببرد، او را مبتلا می‌سازد. اینجاست که راز ابتلای انبیا و اولیای الهی مشخص می‌شود. بلاها برای آن‌ها که از مقام عصمت برخوردارند، پاک‌کننده نیست، ترفیع دهنده است.

روزی پیامبر 9 به شدت بیمار شد به گونه‌ای که از شدت درد، به خود می‌پیچید و می‌نالید. عایشه که از این وضع در شگفت شده بود گفت: اگر بعضی از ما این کار را می‌کرد، به او خرده می‌گرفتی.

پیامبر خدا فرمود: «همانا بر صالحان سخت گرفته می‌شود. به تحقیق رنجی به مؤمن نمی‌رسد، از یک تیغ باشد تا بالاتر از آن، مگر آن‌که خطایی را از او پاک می‌کند و او را درجه‌ای بالاتر می‌برد. (همان/295)

عوامل پیروزی در آزمایش

بدون شک در انجام هرکاری باید عوامل مختلفی دست به دست هم دهند تا فاعل کار با موفقیت کامل، کار را به اتمام برساند. به عنوان نمونه برای موفقیت در تحصیل دانشجو، عواملی از جمله محیط مناسب، استاد خوب، انگیزهٔ دانشجو و ...



باید وجود داشته باشد تا دانشجو بتواند با موفقیت دوره تحصیلی خود را به اتمام برساند، ولی اگر شرایط و عوامل مذکور مهیا نباشد، توقع موفقیت و پیروزی خیالی بیش نیست. برای پیروزی در امتحان و آزمایش الهی از نگاه قرآن کریم عوامل متعددی دخیل است که عبارتند از:

۱. صبر

از عوامل ریشه‌ای و اصیل در موفقیت هر کاری به خصوص پیروزی در آزمایش الهی، صبر و پایداری است که هم عقل صدق آن را تأیید می‌کند و هم شرع مقدس بر آن تأکید دارد و برای بهره‌گیری و کمک طلبی از این عامل مهم ارشاد نموده و فرموده است: **(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) (بقره/45)** این آیه از نیاز ضروری انسان به برخورداری از صبر در انجام هر کاری خبر می‌دهد. در خصوص نقش اساسی صبر در آزمایش الهی می‌توان به سه نمونه از آیات کریمه اشاره نمود.

(وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل عمران/186)

«و اگر استقامت کنید و تقوای الهی پیشه سازید (شایسته تر) است؛ زیرا این‌ها از کارهای محکم و قابل اطمینان است.»

آیه فوق در مورد آزمایش الهی نسبت به اموال و نفوس می‌باشد که خداوند می‌فرماید از اهل کتاب و مشرکین سخنان آزار دهنده فراوان خواهید شنید. در ادامه آیه مردم را به صبر و داشتن تقوا در این آزمایش فرا می‌خواند.

(وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ) (بقره/156-155) این جمله با

صراحت می‌گوید رمز پیروزی در این راه - امتحان الهی اعم از نیک و شر - صبر و پایداری است و به همین دلیل بشارت پیروزی را تنها به صابران و افراد با استقامت می‌دهد. (مکارم شیرازی، 531/1)

(وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا) (فرقان/20)

«و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید؟ پروردگار تو بصیر و بیناست.»

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا إِنَّا جَاعِلُونَ لِلَّذِينَ صَبَرُوا ثَوَابًا كَثِيرًا) (صافات/102)

«ای پدر انجام بده نسبت به آنچه که امر شدی. به زودی اگر خدا خواست مرا از صابرين

2. تقوا (خویشتن داری)

در پیروزی از آزمایش الهی وجود تقوا در امتحان شونده ضروری می‌باشد. چه آن‌که اگر تقوا و خویشتن داری باشد، انسان در برابر آزمایش الهی خودش را حفظ می‌کند و شکست نمی‌خورد. فرمود:

(لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل عمران/186)
«و اگر استقامت کنید و تقوای الهی پیشه سازید شایسته‌تر است.»

3. تسلیم (فرمان برداری)

تسلیم به معنای سلام کردن، سالم داشتن و چیزی به کسی دادن و اطاعت و انقیاد آمده است. شریعت مقدس اسلام، چنان‌که از اسمش پیداست، دین تسلیم و رضا در برابر خواست خدای متعال است. و هدف همه پیامبران الهی نیز این بوده که جامعه بشری را در برابر فرمان خدا تسلیم کرده، به قضا و قدرش راضی نماید. (الهامی‌نیا، 67) و زبان حال همه این شود که:

عاشقم بر لطف و بر قهرش به جلد
ای عجب من عاشق این هردو ضد
ناخوش او خوش بود بر جان من
جان فدای یار دل رنجان من
امام علی 7 در تعریف اسلام می‌فرماید: الاسلام هو التسليم؛ «اسلام، تسلیم و گردن نهادن است. (نهج البلاغه، قصار/125)

از داستان حضرت ابراهیم و اسماعیل این پیام به خوبی فهمیده می‌شود که عامل مهم موفقیت حضرت ابراهیم 7 در امتحان الهی، تسلیم و فرمان برداری او از خداوند بوده است که خداوند به زیبایی ترسیم نموده است. می‌فرماید:

هنگامی که هر دو تسلیم و آماده شدند و ابراهیم جبین او را به خاک نهاد، او را ندا دادیم که ای ابراهیم! آن‌چه را در خواب مأموریت یافتی انجام دادی، ما این گونه نیکوکاران را اجر می‌دهیم. این مسلماً امتحان مهم و آشکار بود.

4. توجه به گذرا بودن سختی‌ها و مشکلات

عامل دیگری در پیروزی از امتحان الهی است که آیه: **(إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)** (نقره/156) به آن اشاره دارد.

امام علی 7 در تفسیر این جمله فرمود: «این که می‌گوییم **(إِنَّا لِلَّهِ)**، اعتراف به این حقیقت است که ما مملوک اویم و این که می‌گوییم **(وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)**، اقرار به این است که ما از این جهان خواهیم رفت و جایگاه ما جای دیگری است. (نهج البلاغه، قصار/99)

این که می‌بینیم بزرگان اسلام به هنگام بروز مصائب سخت این جمله را با الهام گرفتن از قرآن مجید تکرار می‌کردند، برای این بوده است که شدت مصائب آن‌ها را تکان ندهد و در پرتو ایمان به مالکیت خداوند و بازگشت همه موجودات به سوی او، این حوادث را در خود هضم کنند. (مکارم شیرازی، 531/1)

5. استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی

عامل مهم دیگری در پیروزی از آزمایش الهی است که از بعضی آیات کریمه استفاده می‌شود.

خداوند می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) (اعراف/96)

«گر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوای الهی را پیشه سازند، ما برکات آسمان‌ها و زمین را برای آن‌ها می‌گشاییم.»

و روشن است که هر که در راه خدا مجاهده نماید و بر بلا و گرفتاری و آزمایشات الهی صبر نماید و ایمان داشته باشد، خداوند او را به راه خودش هدایت می‌کند تا در انتخاب راه صحیح دچار اشتباه نشود.

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا) (عنکبوت/69)

«کسانی که در راه ما به جهاد برخیزند، ما آن‌ها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.»



6. توجه به عکس العمل پیامبران در برابر آزمایش‌های الهی

این نیز از عوامل موفقیت و پیروزی در آزمایش الهی است. به تصریح قرآن، خداوند پیامبران را آزمایش نموده است و آنها عکس‌العمل مثبت از امتحانات الهی داشته‌اند و در نتیجه به خاطر عکس‌العمل خوب از آزمایشات الهی، به مقامات بلندی رسیده‌اند. از جمله آن پیامبران، حضرت ابراهیم 7 است که خداوند به خاطر موفقیت از آزمون‌های متعدد به او مقام امامت را عنایت فرموده است؛

(وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) (بقره/124)

«هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگون آزمود، و او به خوبی از عهدهٔ آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.»

آدمی اگر به آزمایش‌های الهی نسبت به پیامبران و عکس‌العمل آنها توجه داشته باشد، روح او آماده می‌شود تا بتواند از امتحانات الهی سرفراز بیرون آید. چه آن‌که آزمایش برای همهٔ افراد آدمی بوده؛ از گذشته وجود داشته و حال هم وجود دارد و تا روزی که آدمی در دنیا باقی است آزمایش می‌شود. خداوند برای دلگرمی مؤمنان و دلداری پیامبر اسلام 9 و تقویت روحیهٔ او، توجه آنها را به تاریخ پیشینیان معطوف نموده و می‌فرماید: «اگر تو را استهزا می‌کنند نگران مباش، پیامبران پیشین نیز گرفتار استهزای جاهلان بودند، اما با نیروی استقامت بر آنها پیروز شدند.» (انعام/10)

و یا در جای دیگر می‌فرماید: «اگر تو را تکذیب کنند تعجب نیست، پیامبران پیشین را نیز تکذیب کردند. آنها در برابر تکذیب مخالفان پایداری و شکیبایی به خرج دادند و آزار شدند تا سرانجام نصرت و یاری ما به سراغشان آمد.» (انعام/34)

7. توجه به حضور خدا

عامل دیگری در پیروزی از امتحانات الهی است. چه آن‌که این عقیده و بینش به انسان چنان قوتی می‌بخشد که بتواند به وسیلهٔ امتحانات الهی از مسیر صحیح منحرف نشود و تحمل سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر او آسان شود. بعضی از آیات به

این راهکار تصریح دارد.

1. خداوند به هنگامی که حضرت نوح 7 تحت شدیدترین فشارها از سوی قومش مأمور به ساختن کشتی شد به او فرمود:

(وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا) (هود/37)

«در برابر ما اقدام به ساختن کشتی کن!»

جمله (بِأَعْيُنِنَا) «در برابر دیدگاه علم ما» چنان قوت قلبی به نوح 7 بخشید که فشار استهزای دشمنان، کمترین خللی در اراده نیرومند او ایجاد نکرد. (مکارم شیرازی، 533/1)

استاد مکارم شیرازی در جای دیگر می‌فرماید: تعبیر (بِأَعْيُنِنَا)؛ «در برابر دیدگاه ما» اشاره به این است که تلاش و کوشش تو در این راه در حضور ماست و تحت پوشش حمایت ما، بنابراین با فکر راحت و آسوده به راه خود ادامه ده و از هیچ چیز ترس و واهمه نداشته باش. (همان، 230/4)

در آزمایشات الهی هم انسان باید بداند که آزمایش در حضور خدا انجام می‌پذیرد. با این فکر و بینش انسان می‌تواند از عهده آزمایش خوب برآید، چرا که توجه به حضور خدا در زندگی به انسان آرامش می‌دهد.

2. خداوند برای دلداری پیامبر اسلام 9 هم می‌فرماید: «در طریق ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری، زیرا تو در برابر دیدگاه علم ما قرار داری. (طور/48)

از سالار شهیدان و مجاهدان راه خدا، امام حسین 7 همین معنا نقل شده که در صحرای کربلا به هنگامی که بعضی از عزیزانش با فجع‌ترین وجه شربت شهادت نوشیدند، فرمود: «اهون علی ما نزل بی انه بعین الله؛ همین که می‌دانم این امور در برابر دیدگاه علم پروردگار انجام می‌گیرد، تحمل آن بر من آسان است.» (مویدی، 529/)

عکس العمل انسان‌ها در برابر آزمایش الهی

علاوه بر آن‌که در خارج به صورت عینی عکس العمل نوع بشر را در برابر



آزمایش الهی مشاهده می‌کنیم که عده‌ای شکر می‌کنند و عده‌ای ناله و فریاد می‌کنند و ناسپاسی می‌نمایند، قرآن کریم هم بر این دو عکس العمل اشاره نموده و در آیاتی به این حقیقت تصریح فرموده است.

1. حضرت سلیمان وقتی در برابر خود تخت بلقیس را مشاهده می‌کند، می‌گوید: **(قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ) (نمل/40)**

«گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم یا کفران می‌کنم.»

2. **(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) (حج/11)**

«بعضی از مردم خدا را با زبان می‌پرستند. همین که دنیا به آن‌ها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند، اما اگر مصیبتی به عنوان امتحان (آزمایش) به آن‌ها برسد، دگرگون می‌شوند و به کفر روی می‌آورند و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را و این خسران و زیان آشکاری است.»

3. **(فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ) (فجر/16-15)**

«اما انسان هنگامی که خداوند او را برای آزمایش اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته! و اما هنگامی که برای امتحان روزی را بر او تنگ بگیرد مأیوس می‌شود و می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده!»

رابطه رحمت الهی با آزمایش

از آنجایی که رحمت خداوند وسیع و گسترده است و فرمود: **(وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ) (اعراف/156)** و هم چنین فرمود: **(كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ) (انعام/12)** پس چرا خداوند بشر را برای رسیدن به پاداش آزمایش می‌نماید؟ مگر نمی‌شد خداوند بدون آزمایش نمودن آدمی را ثواب و پاداش بدهد؟

این سؤال غالباً در ذهن توده مردم وقتی به آیات رحمت الهی نگاه می‌کنند به وجود می‌آید. برای روشن شدن پاسخ آن باید گفت که اگر خداوند رحمان و رحیم است و رحمت او گسترده و بی نهایت است، همان طور قدیر و جبار و سخت



کیفر هم می‌باشد. اوصاف خداوند هم هماهنگ و مرتبط می‌باشند، چرا که خداوند حکیم است و حکیم کارش با هدف می‌باشد. فرمود: **(لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (آل عمران / 6)**

ثانیاً: زمینه رسیدن به پاداش، عمل است. شخص حکیم براساس عمل، اجر و پاداش می‌دهد و این یکی از اصول قرآنی است که شرط رسیدن به پاداش، ایمان و عمل صالح است.

فرمود: **(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (نحل / 97)**

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي) (نساء / 57)
(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (بقره / 82)

«و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، اهل بهشتند و همیشه در آن خواهند ماند.»

با توجه به آیات فوق و آیات دیگر شرط رسیدن به پاداش و بهشت، ایمان و عمل صالح است.

ثالثاً: اگر خداوند بدون آزمایش و امتحان به همه پاداش بدهد، با صفت عدالت خداوند ناسازگاری دارد. آن که یک عمر تخطی و تخلف نموده است و کسی که امر خدا را مطیع است، هر دو یکسان باشند؟! علاوه بر آن که عقل آن را نمی‌پذیرد و می‌گوید این کار مخالف با حکیم بودن خداوند می‌باشد. از نظر آیات کریمه هم این عمل خلاف می‌باشد؛ چه آن‌که از اصول مسلم آیات کریمه این است که فاسق و عادل، متقین و کفار با هم برابر نیستند.

فرمود: **(أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ) (ص / 28)**

«آیا کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند هم چون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزکاران را همچون فاجران؟!»

و یا فرمود: **(أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ) (فلم / 35)**

حکمت و عدل خداوند ایجاب می‌کند نیکان و بدان و عادلان و ظالمان یکسان نباشند.

رباعاً: با توجه به روایات معصومین این نکته روشن می‌شود که آزمایش الهی از طرف خداوند بر بندگان خودش رحمت است و تفضلی از خدا به بنده است. امام علی 7 در این باره می‌فرماید: «سپاس و ستایش خدایی را که رنج و گرفتاری پیروان ما را مایهٔ زدوده شدن گناهان آنان در دنیا قرار داده تا در این رنج‌ها و بلاها طاعاتشان سالم ماند و سزاوار پاداش آن شوند.» (ری شهری، 85/)

از امام باقر 7 نقل شده است که فرمود: «هرگاه خداوند متعال بر آن شود تا بنده‌ای را گرامی دارد و آن بنده گناهی کرده باشد او را به بیماری مبتلا گرداند، اگر چنین نکرد، به فقر و نیازمندی دچارش سازد و اگر این را هم نکرد، هنگام جان کندن بر او سخت گیرد. اما چون بخواهد بنده‌ای را خوار و بی‌مقدار سازد و او کار نیکی نزد خدا داشته باشد، تن سالم به او دهد، اگر چنین نکرد، زندگیش را فراخ و مرفه گرداند و اگر این را هم نکرد، مرگ را بر او آسان سازد. (همان، 85/)

خامساً: آزمایش الهی نمادی از محبت خدا به بنده است؛ چه آن‌که پختن انسان در سختی‌ها میسر است، نه در راحتی‌ها. لذا اگر مؤمن خدا را به شدیدترین وجه دوست دارد: **(وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ) (بقره/165)**

خداوند بیشتر از بنده، او را دوست دارد، چرا که خالق محبت است.

امام صادق 7 فرمود: «خداوند هرگاه بنده‌ای را دوست بدارد، او را در بلا فرو می‌برد. ای سدید! ما و شما شیعیان روز و شب‌ها را با بلا سپری می‌کنیم. (ری شهری، 85/)

باز امام صادق 7 می‌فرماید: «هرگاه خداوند قومی یا بنده‌ای را دوست داشته باشد، باران بلا را بر سر او می‌باراند، پس از اندوهی بیرون نیاید جز آن‌که در اندوهی دیگر فرو رود. (همان، 85/)

با توجه به مستندات ذکر شده، رحمت الهی با ابتلاء رابطهٔ تنگاتنگ دارد. این‌که خداوند بخواهد اجر و مزدی بی‌حساب بدهد، با وصف حکیم بودن و عادل بودن خداوند سازگار نیست. علاوه بر آنکه این اصل قرآنی و عقیدتی است که مزد در قبال عمل است؛ **(وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (نجم/39)**



به خصوص آن‌که آزمایش الهی نمادی از رحمت و محبت خداوند نسبت به بندگان است، پس نمی‌شود گفت اگر خداوند رحیم است پس آزمایش چرا؟ این نوع سؤالات حاکی از نداشتن بینش صحیح از معارف قرآنی و بی‌توجهی به جنبه‌های بلا و آزمایش می‌باشد.

نقش انسان در نزول بلاء

شاید و گرفتاری‌ها، ضمن آن‌که جنبه آزمایش و امتحان دارد و به وسیله آن ایمان و صبر مردم آزموده می‌شود، از نظر بررسی علل و منشأ، به خود انسان برمی‌گردد. آیات متعدد و روایات فراوان، سلوک انسان را علل اصلی گرفتاری‌ها و نزول بلا می‌داند. از این دسته متون دینی استفاده می‌شود که رفتار انسان در برخورداری از نعمت و مبتلا شدن به نعمت الهی اثر گذار می‌باشد.

آیاتی که دال بر این مطلب است عبارتند از:

1. (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف/96)

«اگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوا داشته باشند، هر آینه ما برکات را از آسمان و زمین بر آنها گشایش می‌دهیم. و لکن آنها تکذیب کردند و آنها را به وسیله آنچه که انجام دادند گرفتیم.» طبق این آیه دو عنصر ایمان و تقوا، دو بینش فکری و روش عملی انسان، معیار نزول نعمت و نعمت بیان شده است. اگر گناه و فساد و طغیان انسان موجب فساد طبیعت و نزول بلا می‌شود، به خاطر این است که جایگاه جرم انسان در حد کل هستی است؛ زیرا دامنه و قلمرو تأثیرگذاری رفتار انسان البته به طور مستقیم و غیرمستقیم، به وسعت همه هستی است و همه پدیده‌ها را شامل می‌گردد. (موسوی نسب، 69)

2. (ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (روم/41)

«فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمالی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشانند، شاید بازگردند.»

از این آیه هم استفاده می‌شود که نقش انسان در نزول بلا قابل انکار نیست.
3. (وَلَوْ يُوَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ) (نحل/61)

«و اگر خداوند مردم را به خاطر ظلمشان مجازات کند، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذارد، ولی آن‌ها را تا زمان معین به تأخیر می‌اندازد، اما هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می‌کنند و نه ساعتی پیش می‌گیرند»

4. (فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (آل عمران/11)

«خداوند آن‌ها را به خاطر کیفر گناهانشان مجازات کرد و خدا بدکاران هر امت را سخت به کیفر رساند.»

5. (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ) (شوری/30)

«هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.»

این آیه به خوبی نشان می‌دهد مصائبی که دامنگیر انسان می‌شود، یک نوع مجازات الهی و هشدار است. امام علی 7 از پیامبر اکرم 9 نقل می‌کند که فرمود: «این آیه (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...) بهترین آیه در قرآن است، ای علی، هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سر می‌زده، و آنچه خداوند در دنیا عفو می‌کند گرامی‌تر از آن است که در قیامت در آن تجدید نظر فرماید، و آنچه را که در دنیا عقوبت فرموده عادل‌تر از آن است که در آخرت بار دیگر کیفر دهد. (مکارم شیرازی، 440/20)

6. (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد/11)

«خداوند سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی‌دهد، مگر این‌که خویشان را تغییر دهند.»
 این آیات مذکور نمونه‌ای از آیات الهی است که نقش انسان را در نزول بلا متذکر می‌شود.

و اما روایاتی که گواه این مطلب است عبارتند از:

1. امام صادق 7 فرمودند: «خداوند هر نعمتی را که به بنده‌ای داد از او نگرفت مگر به سبب گناهی که سزاوار سلب آن نعمت شد.» (ری شهری، 223/)
2. پیامبر اسلام 6 فرمود: «خداوند متعال به ایوب وحی فرستاد: آیا می‌دانی



گناه تو نزد من چه بود که بلا بر تو رسید؟ عرض کرد: خیر، فرمود: تو نزد فرعون رفتی و دو کلمه با ملایمت و نرمی گفتی.» (همان،/85)

3. از امام صادق 7 نقل شده: گاهی انسان گناه می‌کند و از اعمال نیکوی همچون نماز شب بازمی‌ماند. (بدانید) کار بد در فنای انسان از کار بد در گوشت سریع‌تر اثر می‌کند.» (همان،/223)

اثر تربیتی بلاها و شدائد

سختی و گرفتاری، هم تربیت‌کننده فرد و هم بیدار کننده ملت‌هاست. سختی، بیدار سازنده و هوشیارکننده انسان‌های خفته و تحریک‌کننده عزم‌ها و اراده‌ها است. شدائد، همچون صیقلی که به آهن و فولاد می‌دهد، هر چه بیشتر با روان آدمی تماس گیرد، او را مصمم‌تر و فعال‌تر و برنده‌تر می‌کند؛ زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی‌ها مقاومت کند و به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه آماده‌ی مقابله با آن گردد. سختی هم چون کیمیا، خاصیت قلب ماهیت کردن دارد. جان و روان آدمی را عوض می‌کند. اکسیر حیات دو چیز است: عشق و آن دیگر بلا. این دو نبوغ می‌آفرینند و از مواد افسرده و بی‌فروغ، گوهری تابناک و درخشان به وجود می‌آورند. (مطهری،/180)

همه عمر تلخی کشیده است سعدی که نامش برآمد به شیرین زبانی به همین خاطر در روایت آمده است که اگر کسی بلا نبیند، گرفتار بدترین نوع عقوبت است، ولی متوجه نیست. چرا که اگر بلا و آزمایش می‌دید، بیدار می‌شد. در قصص انبیاء آمده که مردی به شعیب پیامبر 7 گفت: چرا من این همه گناه می‌کنم و خداوند مرا عقوبت نمی‌کند. به جواب آمد که تو گرفتار بدترین نوع عقوبت‌ها هستی و نمی‌دانی. (همان،/184)

همچنین در روایت آمده است: پیامبر اکرم 9 به خانه یکی از مسلمانان دعوت شدند. وقتی وارد منزل او شدند، مرغی را دیدند که بر بالای دیوار تخم گذاشته و تخم آن به میخی بند شده و نیفتاده است. رسول اکرم 9 در شگفت شدند. صاحب خانه گفت: آیا تعجب کردید؟ قسم به خدایی که شما را به پیامبری برانگیخت،

هرگز آسیبی به من نرسیده است! رسول اکرم ⁹ تا این جمله را شنیدند، برخاستند و در خانه آن مرد غذا میل نکردند و فرمودند: کسی که هرگز مصیبتی ندیده، مورد لطف خداوند نیست. (مصباح یزدی، 276/)

بنابراین اگر درست به بلا (آزمایش) نگریسته شود، پی می‌بریم که سختی‌ها و بلاها نقش تربیتی و بیدارگری دارند. سختی‌ها انسان‌های خفته و بی‌تحرک را بیدار و هشیار می‌سازند و عزم و اراده ایشان را برمی‌انگیزند. خاصیت زندگی دنیا این است که با سختی‌ها است و در این بین هر چه بر مقاومت انسان افزوده شود، بر تکامل او افزوده می‌گردد و رفته رفته نبوغ و استعدادهای نهفته او را شکفته‌تر می‌گرداند. (همان، 476/)

گندمی را زیر خاک انداختند	پس ز خاکش خوشه‌ها بر ساختند
بار دیگر کوفتندنش ز آسیا	قیمتش افزون و نان شد جان‌فزا
باز نان را زیر دندان کوفتند	گشت عقل و جان و فهم سودمند

در قرآن هم به این حقیقت - اثر تربیتی بلا - اشاره شده است.

(فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (تسبیح 5-6)

«پس با هر سختی آسانی است و با هر سختی البته آسانی است.»

در واقع خداوند به این نکته اشاره می‌کند که سختی‌ها و گرفتاری‌ها، مقدمه کمال و پیشرفت انسان است و باعث نیرو گرفتن او می‌شوند و از این جهت مصیبت‌ها و سختی‌ها برای تکامل بشر ضرورت دارند. (مصباح یزدی، 475/)

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) (بلد 4/)

«به راستی ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم»

این آیه گویای نقش مهم رنج و مشقت‌ها در ساخته شدن انسان و تکامل اوست، و الا اگر جز این بود، خداوندی که سرچشمه رأفت و رحمت است و سعادت و خیر بنده خود را می‌خواهد، او را قرین رنج و زحمت نمی‌کرد. (مصباح یزدی، 475/)

به تعبیر استاد مطهری، آدمی باید مشقت‌ها تحمل کند و سختی‌ها بکشد تا هستی لایق خود را بیابد. تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است. موجودات زنده با این



شلاق راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند. این قانون در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان صادق است. (مطهری، ۱۷۶)

از امام باقر ۷ می‌خوانیم: «خداوند از بنده مؤمنش تفقد می‌کند و برای او بلاها را اهدا می‌نماید، همان طوری که مرد در سفر برای خانواده خود هدیه‌ای می‌فرستد.» و از امام صادق ۷ می‌خوانیم: «خداوند زمانی که بنده‌ای را دوست بدارد، او را در دریای شداید غوطه‌ور می‌سازد.» (ری شهری، ۸۵)

آنچه از آیات و روایات در این زمینه فهمیده می‌شود، این است که بلا اثر یقیناً اثر تربیتی دارد. اگر بشر بفهمد که لازمه زندگی، تحمل مشکلات است و بلا هدیه‌ای از طرف خداوند و نماد محبت خداوند است، هیچ وقت خودش را نمی‌بازد، بلکه با جان و دل سختی‌ها و گرفتاری را در آغوش می‌گیرد و مطابق دستور حق عمل می‌نماید.

دشواری آزمایش به نعمت

شاید بدون مطالعه ویژگی‌ها و حالات آدمی، گفته شود که آزمایش به عذاب سخت‌تر است، در حالی که با مطالعه حالات انسان، این نکته به دست می‌آید که آزمایش به نعمت سخت‌تر از آزمایش به نعمت است.

برای روشن شدن پاسخ، ضرورت دارد که به بعضی از ویژگی‌های انسان اشاره شود.

حالات انسان

آدمی که عجین شده از نور و شهوت است و خلقتی خاص نسبت به مخلوقات دیگر دارد، حالات و ویژگی‌هایی دارد که دیگر موجودات از آن حالات مبرا هستند، از جمله:

1. **غفلت:** از حالاتی است که دامنگیر انسان می‌شود و نتیجه آن تن دادن به پستی‌ها و زشتی‌ها است. حالت غفلت، بی‌خبری از خداوند متعال و بی‌توجهی به هویت و نیازهای واقعی انسانی است. فرمود: **(وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ**

بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَىٰ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف/179)

2. عذر تراشی: حالت دیگری که آدمی به مرور زمان با انجام اعمال زشت گرفتار آن می‌شود، عذر تراشی و توجیه آفرینی او بر اعمال ناپسند است. فرمود: (بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ* وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ) (قیامت/15-14)

3. طبع فزون طلبی و طغیان گری: انسان ذاتاً فزونی طلب است و در پرتو فزون طلبی، تن به طغیان گری و تعدی می‌دهد. فرمود: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ) (علق/7-6)

«به درستی که انسان طغیان می‌کند وقتی وقتی خود را بی نیاز دید.»

4. ناسپاسی: فرمود: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ) (عادیات/6) به درستی که انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است. به خاطر وجود چنین ویژگی در انسان فرمود: (وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ) (سبا/13)

«ندکی از بندگانش سپاس گزار هستند.»

5. دارا بودن نفس اماره: (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ) (یوسف/53)

باتوجه به اوصاف و حالات ذکرشده روشن است که آزمایش به نعمت سخت‌تر از آزمایش به نعمت (عذاب) است. چرا که در آزمایش به نعمت، انسان غالباً بیدار نمی‌شود، به خصوص آن‌که ناسپاس است و در او نفس اماره وجود دارد و خیال می‌کند که نعمت برای او سبب فضیلت و ارزشمندی نزد خداست، غافل از آن‌که یکی از علل افزایش نعمت، آزمایش می‌باشد.

فرمود: (أَتَمَّا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَّا) (انفال/28) و یا در جای دیگر می‌فرماید: (وَيَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ) (انبیاء/35) به همین خاطر با وجود نعمت فراوان دست به تعدی می‌زند و فکر نمی‌کند که نعمت وسیله و ابزار آزمایش است. بنابراین از خدا روی گردان می‌شود.

در حالی که در آزمایش به نعمت و عذاب، حالت بیداری در انسان به وجود می‌آید. فرمود: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ... لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (روم/41)

«آشکار شدن فساد به خاطر آن است که انسان با دست خود به دست آورده است و این را عذاب می‌چشانیم شاید برگردند.»



لذا فرموده‌اند: آزمایش به وسیله نعمت از آزمایش به وسیله عذاب سخت‌تر و پیچیده‌تر است، زیرا طبیعت فزونی نعمت، سستی و تبلی و غفلت و غرق شدن در شهوت است و این درست چیزی است که انسان را از خدا دور می‌سازد و میدان را برای فعالیت شیطان آماده می‌کند. تنها کسانی می‌توانند از عوارض نامطلوب فزونی و وفور نعمت در امان بمانند که به طور دائم به یاد خدا باشند و ذکر او را فراموش نکنند.» (مکارم شیرازی، 122/25)

نتیجه گیری

یکی از بحث‌های کلیدی معارف قرآنی، امتحان و آزمایش است که در آیات متعددی از آن سخن به میان آمده است و از زوایای مختلفی به آن نگریسته شده است. آزمایش و امتحان برای زندگی ضروری است و بدون آزمایش، بشر روی تکامل را نخواهد دید. به همین دلیل هیچ کسی از آزمایش الهی مستثنی نیست، حتی مقرب‌ترین افراد نزد خداوند آزمایش سخت‌تری برخوردارند. قرآن به خاطر این سنت همگانی و عمومی، راهکار برون رفت پیروزمندانه‌ای را ذکر نموده که عبارت است از صبر و تسلیم و خویشتن داری و

برای توجه دادن بشر به عمومیت این سنت، هم بعضی از ابزار آزمایش و هم آزمایش شدن پیامبران و اقوام آن‌ها را ذکر نموده است و عکس العمل انسان‌ها را در برابر آزمایش الهی بیان فرموده است.

از این رو با دقت در آیات کریمه روشن می‌شود که آزمایش الهی رابطه تنگاتنگی با رحمت الهی دارد و نقش انسان در نزول بلا قابل انکار نیست و آزمایش به نعمت، سخت‌تر از آزمایش به نعمت است.

منابع و مأخذ

1. ابن فارس، ابوالحسین احمد؛ معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404ق.
2. پسندیده، عباس؛ رضایت از زندگی، چاپ پنجم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، 1386ش.
3. تفلیسی، ابوالفضل ابراهیم ابن حبیب؛ وجوه قرآن، به اهتمام مهدی محقق، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1371ش.

4. دشتی، محمد؛ فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمه زهرا 3، چاپ 12، انتشارات مشهور، قم، 1386ش.
5. طباطبائی، سید محمد حسین؛ میزان، ترجمه سید محمد باقر همدانی، چاپ پنجم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، 1370ش.
6. فرهنگ جامع سخنان امام حسین 7؛ ترجمه علی مؤیدی، چاپ سوم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، 1384ش.
7. قرآن کریم.
8. قریشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، 1371ش.
9. محمدی ری شهری، محمد؛ منتخب میزان الحکمه، ترجمه محمد رضا شیخی، چاپ سوم، مؤسسه چاپ و نشر دارالحدیث، 1384ش.
10. مصباح یزدی، محمد تقی؛ ره توشه، چاپ دوم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1376ش.
11.؛ زینهار از تکبر، چاپ اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1376ش.
12. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، جلد 1، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، 1404ق.
13. مطهری، مرتضی؛ آشنایی با قرآن، چاپ اول، انتشارات صدرا، 1377ش.
14.؛ مجموعه آثار، ج 1، چاپ پنجم، انتشارات صدرا، 1373ش.
15. مغنیه، محمد جواد؛ الکاشف، ترجمه موسی دانش، چاپ اول، مؤسسه بوستان کتاب قم، 1383ش.
16. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ دهم، دارالکتب الاسلامیه، 1372ش.
17. موسوی نسب، سید جعفر؛ ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن، چاپ اول، ارزشمند، 1385ش.
18. نهج البلاغه
19. الهامی نیا، علی اصغر؛ سیره اخلاقی معصومین، چاپ اول، زمزم هدایت، قم، 1385ش.